

## تاملی بر سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران نسبت به جرائم زیست محیطی در پرتو آموزه های فقه امامیه

محمد حاجی قاسمی اردبیلی

دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

علیرضا میلانی<sup>۱</sup>

استادیار گروه حقوق، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷

### چکیده

قواعد اسلامی به عنوان یکی از مبانی اصلی حقوق ایران نقش نقش انکار ناپذیری در شاکله ی نظام حقوقی کشور دارد. حفظ و استفاده ی بهینه و مشروع از محیط زیست از نظر اسلام جزء حقوق اساسی افراد است که صیانت از آن هم بر عهده حاکم وهم بر عهده همه ی آحاد جامعه است. بر همین اساس در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی تلاش شده است ضمن تعیین رویکرد فقه نسبت به جرائم زیست محیطی وهمچنین رویکرد نظام کیفری کشور در واکنش به این جرائم نقاط ضعف و قوت هر دو حوزه فقهی و حقوقی، بیان راهکارهایی برای بهبود و اصلاح آن ارائه شود. با توجه به گستردگی سرزمینی ایران و تنوع اقلیم و تنوع محور ها و موضوعات زیست محیطی و با توجه به عدم کفایت و عدم کارایی قوانین موجود در عرصه داخلی نیازمند اقدام عاجل مقنن در این حوزه می باشیم زیرا تخریب محیط زیست از موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه است. جرم انگاری افتراقی جرائم زیست محیطی و پیش بینی کنش های غیر کیفری و واکنش های کیفری در کنار هم می تواند در برخورد و پیشگیری از جرائم زیست محیطی و در راه رسیدن به اهداف قوانین کیفری مفید واقع شوند.

**واژگان کلیدی:** فقه امامیه، قاعده لاضرر، محیط زیست، جرم انگاری، ضمانت اجرای کیفری.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: alirezamillani@yahoo.com

## مقدمه

محیط زیست متعلق به همگان است و یک سرمایه بین نسلی است و باید برای نسلهای بعد نیز حفظ شود. پیشرفت های صنعتی انسان در دو سده اخیر ابعاد مختلفی به خود گرفته است که یکی از ابعاد مخرب آن تعدی و تعرض به محیط زیست است. انسان در مقام خلافت دارای حقوق و تکالیفی است. از جمله وظیفه ی تصرف مشروع در محیط زیست است.<sup>۱</sup> در این رهگذر بنظر می رسد مبانی فقهی جرم انگاری و برخورد با اقدامات مضر برای محیط زیست وجود داشته باشد هرچند رویکرد کیفی اسلام در این حوزه کاملاً شفاف نیست. احکام مربوط به محیط زیست در منابع فقهی پراکنده بوده و به صورت منسجم دیده نمی شوند بنابر این باید دید رویکرد کیفی شارع در برخورد با جرایم زیست محیطی چه بوده است؟ و چه مجازاتهایی در فقه در برخورد با این جرایم وجود دارد؟ حقوق داخلی طی نیم قرن گذشته در تلاش بوده است با جرم انگاری اعمال مخرب محیط زیست، با هدف مقابله با این جرایم گام بردارد این هدف با تعریف جایگاه و اهمیت محیط زیست در قانون اساسی و در سالهای اخیر با تاکید بر ضرورت حفظ این امانت الهی برای پیشرفت امروز کشور و همچنین حفظ آن نسل های آتی در کنار حفظ آهنگ رشد اقتصادی و اجتماعی در سند چشم انداز بیست ساله کشور و همچنین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی، شکل روشن تری به خود گرفته است. در همین راستا عناوین متعدد کیفی نیز در قوانین کیفی و همچنین قوانین خاص محیط زیست دیده می شود. در این تحقیق بدنبال تبیین سیاست کیفی جمهوری اسلامی ایران و میزان کارآمدی آن در برخورد با جرائم زیست محیطی هستیم.

در مسیر بررسی و تحلیل فقهی موضوع حمایت کیفی از محیط زیست در حقوق ایران، اگرچه قوانین بالادستی و اسناد راهبردی کشور مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار خواهند گرفت اما توجه اصلی بر دو قانون قانون مجازات اسلامی و قانون شکار و صید خواهد بود. البته باید گفت که بررسی این دو قانون به این علت است که این قوانین از منابع اصلی حفاظت از محیط زیست محسوب میشوند و دارای دامنه نسبتاً گسترده ای می باشند (عبداللهی، ۱۳۸۸، ج ۱: ص ۱۵). چالش پیش روی این قوانین گسترده تر شدن افعال مخرب محیط زیست در گذر زمان و ظهور جرایم جدید مانند زمین خواری و جنگل خواری و کوه خواری و قاچاق گونه های جانوری کم یاب و در معرض انقراض می باشد. نکته ی مهمی که باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد نقاط ضعف و خلاء های موجود در این قوانین است. اینکه چه واکنش های غیر کیفی می تواند مکملی بر واکنش های کیفی در این قوانین باشند؟

---

۱ - با عنایت به آیات متعدد از جمله آیه ۳۳ سوره نور و آیه ۷ سوره حدید انسان در خصوص موجودات عالم نسبت به دیگران مالک است و نسبت به خداوند امین و لذا تصرف از طرف انسان در اموال و اشیاء بدون اذن و رضای خداوند جایز نیست.

## مبانی نظری

منظور نگارندگان از مبانی جرم انگاری در اینجا، اخلاق اجتماعی و مذهبی است که ایجاد قاعده ی کیفری در این خصوص می نماید. بر همین اساس و با عنایت به اینکه آموزه های اسلامی به عنوان مبانی مهمی در خلق قواعد کیفری جایگاه ویژه ای در نظام کیفری و سیاست کیفری دارد لذا می توان ادعا نمود مبانی جرم انگاری و توسل به ضمانت اجراهای کیفری در بسیاری از عناوین مجرمانه موجود در آموزه ها و تعالیم اسلام است. از این رو در این بخش ضمن بررسی جایگاه محیط زیست و اهمیت آن در اسلام و حقوق داخلی، مبانی جرم انگاری این جرایم در هر دو حوزه مطالعه و در نهایت مقابله و تطبیق خواهد شد.

### جایگاه محیط زیست در فقه امامیه

از دیدگاه قرآن و بنابر خواست خدای متعال انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین برگزیده شده است.<sup>۱</sup> در همین راستا بررسی جایگاه محیط زیست و همینطور جایگاه انسان در دیدگاه قرآن و روایات به عنوان اصلی ترین منابع فقه امامیه گویای میزان اهمیت آن و تعیین کننده تکالیف و مبانی مسئولیت کیفری و استفاده از ضمانت اجراها خواهد بود.

حدود ۱۳۸ آیه متضمن مضامین مختلف زیست محیطی است برخی از این آیات مبارکه نیز کیفیت شکل گیری و اهمیت زمین در ارتزاق مردم را گوشزد می کند و مفاد بعضی از آیات افساد در محیط زیست است. بنابر فرموده قرآن آنچه در زمین آفریده شده است برای آسایش انسان است «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (Surat al-Baqara, 22) - همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه ها رزقی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که خود می دانید و از طرف دیگر انسان در مقام خلیفه خداوند نسبت به موجودات این جهان از هر قسمی که باشند در مقابل خدای متعال امین است زیرا مالک همه چیز خداست، «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا» (Surah An-Nisa', verse 126) - و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و خدا همواره بر هر چیزی احاطه دارد و از آنجاییکه انسان مقام خلیفه الهی دارد، این مقام اقتضا می کند که نسبت به امانات الهی افراط و تفریط ننموده و از نعمت های خداوند به نحو مشروع منتفع گردد.

از جمله مهم ترین و ابتدایی ترین تکالیف انسان نسبت به محیط زیست از دیدگاه قرآن منع فساد در زمین است. فساد در مقابل صلاح است و به هر کار تخریبی فساد می گویند (Dehkroda, 2006, p. 2121). از همین رو در

<sup>۱</sup> - از بعد اسلامی جایگاه انسان در زمین بالاتر از سایر موجودات است، خداوند متعال در قرآن می فرماید: ((و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا {مُرکبها} برنشانیدیم و از چیز های پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم - آیه ۷۰، سوره اسراء)) و همچنین خداوند در قرآن فرموده است: ((و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می دهم. ...، سوره بقره، آیه ۳۰))، بنابر این جایگاه انسان در زمین خلیفت الهی است و کرامت انسان مرهون خلافت اوست.

بسیاری از آیات قرآن افساد در مقابل صلاح استفاده شده است که منظور از آن کسانی هستند که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند که البته مشخصاً منظور از فساد هرگونه عصیان و طغیان نسبت به اوامر شارع مقدس جل و علاست و یکی از مصادیق آن ناظر بر بحث ما بوده و آن تخریب محیط زیست است. «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (Surah Al-Shu'ara, verse 152) «آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. همچنین در مورد فساد در زمین و منع از تخریب محیط زیست خداوند می‌فرماید «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (Surat al-Baqara, verse 205) - و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباکاری را دوست ندارد. - مفسران در خصوص علت بیان واژه فساد در این آیه گفته‌اند: اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داد برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است، اگر غذا نخورد می‌میرد و اگر تولید مثل نکند نسلش قطع می‌شود. انسان در تامین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است چون غذای او یا حیوانی است یا زراعی. مراد از فساد در جمله «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» فساد تکوینی و آنچه در گردش زمان فاسد می‌شود نیست بلکه مراد از این فساد، فسادهای تشریعی است؛ یعنی آن فسادی که دست بشر پدید می‌آورد (Tabatabai, 2005, vol. 2, p. 144)

همانطور که اشاره شد به نظر می‌رسد تخریب در محیط زیست یکی از مصادیق فساد است زیرا نقطه مقابل اصلاح و صلح، یعنی سازگاری در نظام طبیعت است؛ شاید بتوان ادعا نمود که در تعالیم اسلامی واژه فساد مفهومی عام دارد و مقابله با فساد راز بقای دین و انسانیت و نظام طبیعت تلقی شده است (Mir Mohammadi, 2009, p. 36). قرآن تباهی امت‌های گذشته را نتیجه عدم برخورد خردمندان با فسادانگیزی می‌داند.

شاید بتوان گفت از دیگر تکالیف انسان در ارتباط با طبیعت، آبادانی زمین است. خداوند متعال که در آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره مقام خلافت در زمین را شایسته انسان دانست و انسان را جانشین خداوند در زمین معرفی کرد خلقت انسان را هدف مند دانسته و از وظایف انسان آبادانی زمین قرارداده است تا محیط و جایگاهی مناسب باشد برای رشد و تعالی انسان. از همین روی خدای سبحان مواد خام را به عنوان غذای سفره طبیعت خلق کرد و به انسان، هوش، استعداد، فناوری و خلاقیت داد تا از این مواد به بهترین وجه بهره‌مند شود. از این جهت از انسان خواست با بهره‌گیری از این مواد خام به آبادانی زمین پردازد: «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (Surah Hud, verse 61)، در این آیه استفاده از باب استفعال برای تحقیق است؛ یعنی به جد از شما خواست تا زمین را آباد کنید. (Javadi Amoli, 2007, p. 28) یکی دیگر از تکالیف بشر در مقابل طبیعت، صرفه‌جویی و اعتدال است این به معنی منع از اسراف و تبذیر است. در معنای اسراف آمده است: «السرف تجاوز الحد فی کل فعل یفعله الانسان» (Ragheb Esfahani, 1992, p. 407) اسراف به معنی تجاوز از حد و معیار در هر کاری است که از انسان سر بزند، گرچه استعمال آن در موارد زیادی روی در انفاق مال بیشتر است و گاهی به خروج از اعتدال در مقدار خرج مال و زمانی هم به چگونگی بذل مال و مورد آن اطلاق می‌شود. اما بنا به مفهوم سخن راغب و روح معنی «کل فعل» و بر پایه شواهد فراوان در قرآن

و حدیث، اسراف به هر گونه تجاوزکاری و زیاده روی گفته می شود و در هر حال اسراف عملی است ممنوع و محکوم و مورد خشم و انزجار خداوند متعال است و از آن به شدت منع شده است (Ataie, 1997, p. 194). در ارتباط با منع اسراف و تبذیر در بیست و سه مورد واژه اسراف و مشتقات آن در قرآن بکار رفته است.<sup>۱</sup> درخصوص حمایت از محیط زیست و بیان تکالیف انسان نسبت به آن، روایات خاص که ناظر بر مطلوب باشد یافت نشد. لکن روایات گهرباری از ذوات مقدس معصومین (ع) نقل گردیده که بنظر می رسد در این خصوص قابل استناد باشد.<sup>۲</sup>

از جمله در مورد اهمیت کشت و زرع و آبادانی زمین امام صادق (ع) می فرمایند: «لَا تَطِيبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ.» (Harani, 2003, p. 320) - زندگی جز با سه چیز خوش نمی شود: هوای پاک، آب فراوان گوارا و زمین نرم و سست (آماده زراعت). - سه عنصری که در روایت به آن اشاره شده است از عناصر حیاتی برای ادامه حیات و پیشرفت بشر است و برای تمدن انسانی ضرورت دارد. از طرف دیگر برای غرس اشجار روایات متعددی وجود دارد که از مصادیق تکلیف بشر برای آبادانی جهان است در این ارتباط رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ غَرَسَ غَرْسًا فَأَثْمَرَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنْ الْأَجْرِ قَدْرًا مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ.» (Mohammadi Rey Shahri, 2010, vol. 5, page 9) هر که درختی بنشاند و آن درخت به بار نشیند، خداوند به اندازه ای که آن درخت میوه دهد، او را پاداش عطا فرماید - همچنین رسول خدا می فرمایند: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا، فَلْيَغْرِسْهَا.» - اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه بتواند قبل از برخواستن آن را بکارد، باید آن را بکارد.

در این گفتار تلاش شد با بیان جایگاه محیط زیست و نقش آن در زندگی انسان از دیدگاه قرآن و سنت و همچنین بیان جایگاه و حقوق و تکالیف انسان در مقابل محیط زیست مبانی مسئولیت کیفری ناشی از جرایم محیطی که ناشی از حقوق و تکالیف الهی انسان است بیان شود لکن علاوه بر آنچه گفته شد، ضرورت دارد به یکی از

<sup>۱</sup> - به عنوان مثال در آیه ۱۴۱ از سوره مبارکه انعام آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَلْوَانًا وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» - او است کسی که باغهایی با داربست و بدون داربست و خرمابن و کشتزار با میوه های گوناگون آن و زیتون و انار، شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن - چون ثمر داد - بخورید و حق [بینوایان] آن را روز بهره برداری از آن بدهید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد. - این آیه از جمله مهم ترین آیات در این خصوص است که در ارتباط با محیط زیست بوده و یکی از تکالیف انسان در برابر محیط زیست را بیان می کند.

<sup>۲</sup> - روایات متعددی نیز اشاره به مسئولیت انسان در مقام خلیفه خداوند در زمین دارند از جمله در خصوص منع از فساد در زمین به عنوان مثال امیر المومنین علی علیه السلام در نامه ای که بعد از فتح مصر به پیروانشان نوشتند می فرمایند: «وَلَا تَرَبُّوا وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا، وَأَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ، وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.» - ربا نخورید، مال یتیمان را به ستم نخورید، امانت ها را به صاحبانش برگردانید، در زمین در پی فساد نباشید و تجاوز نکنید، که خداوند تجاوزگران را دوست نمی دارد - همانطور که بیشتر نیز بیان شد نابودی محیط زیست از مصادیق بارز فساد در زمین است. برای مطالعه بیشتر (ر.ک. محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰)

قواعد مهم فقهی که می‌تواند از مبانی مهم توسل به قاعده کیفری در برخورد با جرایم زیست محیطی باشد اشاره شود (Sadeghi et al., 2007, pp. 157-177).

بنظر نگارندگان قاعده ی فقهی «لا ضرر» از جمله قواعد بسیار مهم در حفاظت از محیط زیست است. به موجب این اصل، در اسلام زیان رساندن به دیگران، به هیچ وجه مشروعیت ندارد؛ چه در مرحله ی وضع قانون و چه در مرحله ی اجرای آن. بنابراین اگر قانونی به تصویب برسد که موجب ورود زیان به فرد یا جامعه شود و یا در مرحله ی اجرا موجب زیان گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد. طبق قاعده لا ضرر هر گونه تصرف، تغییر و بهره برداری از جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و مردود است (Faghfor Maghribi, 2009, p. 18).

جهت تضمین ممنوعیت ارتکاب اعمال مخرب محیط زیست از قاعده فقهی «نفی عسر و حرج» می‌توان بهره برد زیرا این رفتارها سبب برهم خوردن نظام محیط زیست شده و ایجاد عسر و حرج برای همگان مینماید که سالیان اخیر بخوبی با مصادیق آن نظیر خشک شدن دریاچه ها و ایجاد ریزگردها و افزایش چشمگیر تلفات ناشی از آن آشنا شده ایم. عسر و حرجی که از برهم خوردن تعادل اکولوژیک طبیعت پدید می‌آید، چه بسا مهمتر از عسر و حرجی باشد که از ناحیه افراد ایجاد میگردد.

همچنین از باب مسئولیت انسان در تخریب محیط زیست و واکنش متناسب به آن باید گفت: از دیدگاه فقه شیعه، موجبات ضمان قهری سه چیز است: ضمان ید، اتلاف و تسبیب. قاعده اتلاف یکی از قواعد مسلم و مورد اتفاق بین جمیع فرق مسلمین است. خداوند متعال در آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: (فَمَنْ اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ) هر کس به شما تجاوز کرد پس بر او به مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است تجاوز کنید. لذا با توجه به وجود قاعده اتلاف مبنای جبران خسارات ناشی از تعدی و تجاوز به محیط زیست روشن است.

مستفاد از آیه شریفه فوق دو چیز است: اولاً اعلام جواز یا به تعبیر دیگر، جعل حق مؤاخذه و مطالبه برای طرفی که مورد تعدی و تجاوز گرفته است و ثانیاً این که مورد مطالبه می‌تواند مقابله به مثل باشد که در این حکم قرآنی، (مثل بگیرد) کنایه از آن است که اگر مثلی باشد، مثل و اگر قیمی باشد قیمت گرفته شود (Sheikh Al-Tusi, Al-Mabsut, Fi Fiqh Al-Imamiya, 1387 AH, Volume 3, p. 60). در خصوص تخریب محیط زیست می‌توان نتیجه گرفت که بهترین واکنش قانونی به جرایم زیست محیطی و در مقابل تخریب کنندگان محیط زیست همانا جبران خسارات و ترمیم آثار مخرب عمل ایشان است.

از طرف دیگر باید توجه داشت که طبیعت به عنوان یک امانت الهی در اختیار انسان قرار گرفته است و برابر قاعده ضمان ید هر کسی که بر مال دیگری تسلط پیدا کند، به هر نحوی؛ ظلماً، جهلاً، امانه، احساناً، ضامن آن مال می‌شود (Mohaghegh Damad, 2008, Volume 1, Page 61) و تا زمانی که آن را به صاحبش باز نگرداند، این ضمان از عهده اش ساقط نخواهد شد. بنابر این انسان در مقابل خداوند و در مقابل افراد بشر نسبت به تخریب محیط زیست و هر نوع تعدی و تفریط مسئول است و چنانچه ضرری به محیط زیست وارد نماید ملزم به جبران آن خواهد بود.

### جایگاه محیط زیست در قوانین داخلی

در حقوق اسلامی جرم مترادف با گناه یا ذنب و اثم است فلذا هر زمان که موجودی از فرمان خداوند متعال سرپیچی نماید مستحق کیفر است. اما جرم در بعد حقوقی و قانونی یک مفهوم انسانی و اجتماعی است و تحقق آن خارج از اجتماع ممکن نیست. به عبارت دیگر جرم رفتارهای انسانی است که به نظر مقنن مضر به حال جامعه است.

### جایگاه محیط زیست در قانون اساسی

قانون اساسی مهمترین منبع اصلی و مستقیم در نظام کیفری ماست. و قانونگذار موسس در زمان انشاء آن به مصادیق حقوق بشر از جمله حفاظت از محیط زیست توجه ویژه داشته است. توضیح آنکه حقوق بشر پس از پایان جنگ جهانی دوم مورد توجه فراوان قرار گرفت و مفاهیم آن گسترش یافت امروزه شاهد وجود سه نسل و سه طیف از مفاهیم حقوق بشری هستیم.<sup>۱</sup> حقوق نسل اول: حقوق مدنی و سیاسی که ناظر بر حقوق فردی و شخصی افراد است. حقوق نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که شامل حقوق مربوط به امرار معاش می شود. حقوق نسل سوم: حقوق جمعی و گروهی که حقوق مربوط به صلح و حفاظت از محیط زیست را دربرمی گیرد. بنظر می رسد که حقوق محیط زیست بطور خاص و مشخص در زمره نسل سوم حقوق بشر باشد. پرداختن به موضوع محیط زیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله اقدامات قابل توجه قانونگذار موسس به حساب می آید که در کنار مباحث مهم اعتقادی و سیاسی و حقوقی، از نظر نمایندگان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» به دور نمانده است (Salehi, 2017: 23).

مهم ترین دستاورد توجه به نسل سوم حقوق بشر در قانون اساسی ایران، اصل ۵۰ قانون اساسی است که بیان می دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی میگردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» (Soleimani, 2008: 30).

مخاطب این اصل همزمان هم آحاد مردم و هم قوای سه گانه است. لذا در این اصل ابتدا به وظیفه عمومی بودن حفظ محیط زیست اشاره شده و در ادامه به ممنوع بودن فعالیتهای مضر پرداخته شده است که بیانگر وظیفه قوای سه گانه در تدوین قوانین لازم و اجرای آن و برخورد با ناقضان آن است. در مورد ماهیت حکم مندرج در این اصل، دو نکته را میتوان استخراج نمود: اول اینکه حفاظت از محیط زیست، آلوده نکردن و حفظ آن از تخریب، یک حق بشری است. دوم اینکه این تکالیف و اقدامات از ملازمات دستیابی به توسعه پایدار است. نهایتاً شاید بتوان قائل به این شد که محافظت از محیط زیست یک تکلیف شرعی است در مقابل شارع؛ و فارغ از سودمندی این اقدامات

<sup>۱</sup> - این تقسیم از طرف آقای «کارل واساک» حقوقدان و قاضی اهل کشور چک در ۱۹۷۹ ارائه شده است.

برای زندگی حال یا آینده بشر، این تکلیفی است که شارع بر عهده انسان گذاشته است که حق مخلوقات او را در طبیعت حفظ کرده و آنها را ادا نماید (Salehi Aref, 2017: 8).

درخصوص عبارت «وظیفه عمومی» لازم به ذکر است که اگرچه به طور کلی وظیفه حفاظت از محیط زیست برعهده سازمان حفاظت از محیط زیست و ضابطان خاص دادگستری در این خصوص است اما این موضوع نافی نقش دیگران در این زمینه نیست بر همین اساس در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ به سازمانهای مردم نهاد اجازه اعلام جرم و همچنین اعتراض به آراء مربوط به محیط زیست داده شده بود که در اصلاحیه صورت گرفته در سال ۱۳۹۴ حق اعتراض به آراء از آنان سلب گردید که این موضوع قابل نقد است. از طرف دیگر همانطور که اشاره شد، اصل ۵۰ علاوه بر بیان تکلیف، حق بر محیط زیست را هم برای همه مردم تضمین نموده است. این درحالی است که در قوانین و رویه قضایی محلی برای مطالبه و استیفای این حق از طرف مردم عادی وجود ندارد.

یکی دیگر از اصول مهم قانون اساسی که ارتباط مستقیم با محیط زیست و آبادانی آن دارد اصل ۴۵ قانون اساسی است. این اصل بیان می دارد: «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره ها، جنگلها، نیزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود در اختیارحکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند. (Masoumi and Lotfi, 2007, pp. 51-83).

عمده انفال و ثروت های عمومی مذکور در این اصل منابع طبیعی و محیط زیست است که در استفاده و بهره برداری از آن باید مفاد اصل ۵۰ قانون اساسی رعایت گردد. البته مفهوم و مصادیق انفال و کیفیت تصرف در آن جای بحث فراوان دارد که پرداختن به آن از موضوع این مقاله خارج است. اما اشاره به زمین های موات در این اصل جای نقد دارد زیرا همانطور که در گفتار اول در بیان وظایف بشر نسبت به محیط زیست بیان شد، آبادانی محیط زمین از جمله وظایف انسان است. بر همین اساس احیاء زمین های موات در فقه از اسباب تملک دانسته شده است. اما ذکر این نوع اراضی در این اصل که آنها را در زمره ثروت های عمومی قلمداد کرده و حق مالکیت یا تصرف در آنها را از مردم سلب نموده است چندان موافق با قواعد فقهی نمیباشد. سلب این حق از مردم با عنایت به اینکه دولت به تنهایی توانایی، بودجه و منابع کافی برای آبادانی همه اراضی موات را ندارد چندان قابل پذیرش نیست. (Asli Pour and Sharifzadeh, 2015, pp. 245-272) البته شاید از باب رعایت مصلحت بالاتری که حفظ نظم عمومی استچنین مطلبی بیان شده است.

#### جایگاه محیط زیست در سند بیست ساله توسعه ایران

از جمله قوانین راهبردی و بالادستی که در کنار قانون اساسی در تدوین قوانین عادی مورد توجه قانونگذار قرار دارد سند بیست ساله توسعه ایران است که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و از طرف رهبری امضاء و در سال ۱۳۸۲ ابلاغ گردیده است. در بخش ابتدایی این سند چنین می خوانیم: «جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز

چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: ... برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.» همچنین در سند سیاست‌های کلی نظام در سند چشم‌انداز بیست ساله به توسعه علوم و فناوری‌های زیست محیطی و همچنین توسعه ناپیدار کشور با تکیه در حفاظت از محیط زیست و استفاده صحیح از منابع تاکید ویژه ای شده است (Mobini Dehkordi and Moradi Ghasemabadi, 1389, pp. 15-44).

### جایگاه محیط زیست در سند سیاست‌های کلی نظام

علاوه بر این سند باید به سند سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۹ اشاره کرد که در بخش سیاست‌های کلی منابع طبیعی به این موارد اشاره شده است:

« ۱- ایجاد عزم ملی بر احیاء منابع طبیعی تجدیدشونده و توسعه پوشش گیاهی برای حفاظت و افزایش بهره‌وری مناسب و سرعت بخشیدن به روند تولید این منابع و ارتقاء بخشیدن به فرهنگ عمومی و جلب مشارکت مردم در این زمینه.

۲- شناسایی و حفاظت منابع آب و خاک و ذخایر ژنتیکی گیاهی- جانوری و بالابردن غنای حیاتی خاکها و بهره‌برداری بهینه براساس استعداد منابع و حمایت مؤثر از سرمایه گذاری در آن.

۳- اصلاح نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی و مهار عوامل ناپایداری این منابع و تلاش برای حفظ و توسعه آن.

۴- گسترش تحقیقات کاربردی و فناوریهای زیست محیطی و ژنتیکی و اصلاح گونه‌های گیاهی و حیوانی متناسب با شرایط محیطی ایران و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و تقویت آموزش و نظام اطلاع‌رسانی»

همچنین در سیاست‌های کلی محیط زیست نیز اشاره به حقوق و عدالت بین نسلی شده است. بند سوم سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۴ مقرر میدارد: «اصلاح شرایط زیستی به منظور برخوردار ساختن جامعه از محیط زیست سالم و رعایت عدالت و حقوق بین نسلی».

### جایگاه محیط زیست در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست

از جمله خصوصیات قوانین مربوط به محیط زیست کثرت مفاهیم مربوط به محیط زیست و طبعاً تورم قوانین است. با وجود تعدد قوانین این حوزه، در این نگارندگان مهم‌ترین قوانین مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. هدف از این کار همانطور که اشاره شد تعیین جایگاه محیط زیست در قوانین و تشریح حقوق و تکالیف افراد است.

آنچه که در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در خصوص محیط زیست بعنوان بالاترین منبع اصلی حقوق کیفی ذکر شده است در قوانین عادی و مصوبات نهادهای مربوط به حوزه محیط زیست که از منابع بعدی حقوق کیفی بشمار می‌روند نیز تجلی یافته و محمل اجرای افق‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی و اسناد راهبردی را میتوان در قوانین عادی جستجو نمود. به لحاظ عملی این قوانین عادی هستند که اثر مستقیم بر محیط زیست خواهند داشت. یعنی هرچقدر حقوق و تکالیف افراد ملت و جایگاه محیط زیست در سیاست‌های کلی حکومت در

قانون اساسی و قوانین مادر، جنبه نمادین دارد در قوانین عادی جنبی عملی به خود می‌گیرد و بروز و ظهور حقیقی می‌یابد.

از مهم‌ترین قوانین در زمینه محیط زیست «قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات ۱۳۷۱» است.<sup>۱</sup>

ماده ۹ قانون مذکور آلوده کردن محیط زیست به هرشکلی را ممنوع اعلام نموده است اما متأسفانه در این قانون ضمانت اجرای کیفی در برخورد با آلوده کنندگان محیط زیست پیش بینی نشده و ماده ۱۰ آن قانون کیفیت برخورد با این موضوع را به آیین نامه اجرایی این قانون ارجاع نموده است. البته در آیین نامه مذکور کیفیت برخورد با مجرمین محیط زیستی ذکر نشده است اما در فصل دوم آن از مواد ۷ الی ۱۲ مصادیق اعمال ممنوعه در پارک‌های ملی حفاظت شده بیان گردیده است. این درحالی است که ضمانت اجرای ممنوعیت‌های عنوان شده مشخص نیست.

#### جایگاه محیط زیست در قانون شکار و صید

یکی دیگر از قوانین بسیار مهم با موضوع محیط زیست «قانون شکار و صید مصوب ۱۳۲۶ با اصلاحات ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵» است. این قانون شامل برخی ضمانت‌اجراهای کیفی نیز می‌باشد و از مواد ۱۰ الی ۱۳ برای شکار و صید غیر مجاز و بدون پروانه و یا درمحل غیرمجاز و یا حیوانات درحال انقراض گردند مجازات حبس و جزای نقدی پیش بینی نموده است. برابر ماده ۱۰ پروانه مجوزی است که به شکارچیان و صیادان این امکان را می‌دهد تا به شکار و صید بپردازند.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر مطابق بند ۴ قانونگذار از بین بردن گیاهان و هرگونه رستنی در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش و تخریب در مناطق یاد شده را از مصادیق شکار و صید بدون مجوز تلقی می‌شود. این موضوع عنایت خاص قانونگذار به رابطه نزدیک میان حیوانات وحشی و زیستگاه آنها است. با استفاده از واژه

---

<sup>۱</sup> - بر اساس این قانون شورایی تحت عنوان شورای عالی محیط زیست با ریاست رئیس‌جمهور عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری در حوزه محیط زیست است و سازمان حفاظت از محیط زیست به عنوان متولی و مجری قوانین زیست محیطی زیر نظر این شورا فعالیت می‌کند.

<sup>۲</sup> - ذاما اخذ پروانه به تنهایی کافی نیست، بلکه باید محدودیتهای مندرج در پروانه شکار نیز رعایت شوند در غیر اینصورت عمل عنوان مجرمانه خواهد داشت. از سوی دیگر علاوه بر ضرورت اخذ پروانه شکار و صید جانوران، اقدام به حمل، عرضه، فروش و صدور این گونه‌ها نیز نیازمند داشتن مجوز است. برای مطالعه بیشتر (ر.ک. خالقی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۵-۱۷۲). در ارتباط با موضوع مهم خرید و فروش، حمل، نگهداری و صدور کلیه جانوران وحشی، قانونگذار در آیین نامه اجرایی قانون شکار و صید در ماده ۳۱ بیان می‌دارد: «خرید و فروش - عرضه و نگهداری و حمل و صدور کلیه جانوران وحشی زنده و کشته و اجزاء آنها بدون تحصیل پروانه از سازمان حفاظت محیط زیست ممنوع است به استثنای آنچه از طرف شورای عالی حفاظت محیط زیست مجاز اعلام شده باشد». در ماده مذکور قانونگذار در خصوص بومی یا غیر بومی بودن جانوران وحشی صراحتی ندارد، اما در ماده ۷ قانون شکار صید به صراحتاً به غیر بومی بودن جانوانات وحشی اشاره شده است. مساله‌ای که در قانون و آیین نامه به آن تأکید شده است، لزوم اخذ مجوز شکار از سازمان حفاظت محیط زیست است. اما در خصوص ورود و صادرات جانوانات وحشی که نامشان در لیست کنوانسیون سائیتس ثبت شده است، مقررات کنوانسیون مذکور لازم باید رعایت شود. البته رعایت مقررات کنوانسیون در جهت انجام تعهداتی است که کشورهای عضو پذیرفته‌اند.

«رستنی‌ها» تلاش شده است دامنه شمول این بند گسترده تر شود. نکته مهم دیگر اینکه، قانونگذار به موضوع اکتفا نکرده و در انتهای این بند، اقدام به بیان مصادیق از بین بردن گیاهان کرده است. بیان مصادیق در این ماده از باب تمثیل بوده هر نوع اقدام دیگری که باعث تجاوز و تخریب در مناطق خاص مذکور در ماده شود را در بر خواهد گرفت (Heshmati, 2017, pp. 169-181).

علاوه بر این قوانین خاص، قانون مجازات اسلامی به عنوان کد کیفری جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار پر رنگ و مهمی در جرم‌انگاری و برخورد با جرایم زیست محیطی دارد اما از بررسی مواد مربوط به محیط زیست (مواد ۶۷۹ به قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) به بعد شاهد خلاهای قانونی شگرفی در این زمینه هستیم. بخشی از ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی ناظر بر حمایت از حق مالکیت افراد است اما در قسمت دوم شاهد حمایت از یکی از مقوله‌های محیط زیست هستیم. البته استفاده از واژه کشتن در ماده این سوال را در ذهن ایجاد می‌نماید که آیا منظور قانونگذار شکار و صید بوده است یا خیر؟ اما با توجه به ماده ۶۸۰ که مطلقاً در خصوص شکار و صید می‌باشد به نظر می‌رسد مجرم در کشتن و تلف کردن حیوانات مذکور در ماده ۶۷۹، باید فاقد قصد شکار باشد زیرا در غیر این صورت موضوع مشمول ماده ۶۸۰ خواهد شد.

#### بررسی میزان انطباق پذیری جایگاه محیط زیست در قوانین داخلی با فقه امامیه

همانطور که بیان شد با توجه به قرآن کریم آنچه در زمین آفریده شده است برای آسایش انسان است و همچنین انسان وظیفه عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد و از طرف دیگر از فساد در زمین و تعدی و تفریط نهی شده است. به نظر می‌رسد این سه بعد مورد نظر قرآن در تدین اصل ۵۰ قانون اساسی مورد توجه قانون‌گذار بوده است. در این اصل محیط زیست به مثابه یک امانت مورد توجه قرار گرفته که باید به نسل‌های بعدی منتقل گردد و همه وظیفه حفاظت از آن را بر عهده دارند؛ این دیدگاه منطبق با وظایفی است که برای بشر در قرآن و روایات دیده می‌شود که شرح آن گذشت. در بخش دیگری از این اصل رشد و عمران و پیشرفت اقتصادی که وظیفه انسان در زمین است را تا جایی قابل قبول دانسته است که با تخریب و فساد در محیط زیست ملازمه پیدا نکند. لذا در این اصل قانون اساسی به عنوان قانون مادر به خوبی به جایگاه محیط زیست در فقه امامیه و منابع اسلامی توجه شده است.

در مورد اصل ۴۵ قانون اساسی نیز می‌توان به خوبی تاثیر دیدگاه فقه امامیه به نقش انسان و حکومت اسلامی در کنترل و مدیریت طبیعت و منابع طبیعی به عنوان خلیفه خدا در زمین و استفاده از آن در جهت آبادانی زمین را مشاهده کرد. البته اجرای این اصل در زیر سایه اصل ۵۰ میسر خواهد بود لذا به نظر می‌رسد این دو اصل به صورت چکیده و مختصر بیان‌کننده جایگاه محیط زیست و حقوق و تکالیف انسانها نسبت به آن بوده و به شدت تحت تاثیر فقه امامیه تنظیم شده‌اند.

در اسناد بالادستی مانند سند بیست ساله توسعه کشور و سند سیاست‌های کلی نظام و سیاست‌های کلی محیط زیست علاوه بر آنچه قبلاً در مورد حقوق و تکالیف انسان مسلمان بیان شده به جزئیاتی مانند کشاورزی و آبادانی

محیط زیست که مورد تاکید روایات متعدد از معصومین (علیهم السلام) بوده است نیز دیده می شود که این مساله به حکم عقل و سفارش منابع اسلامی مورد تاکید قانونگذار قرار گرفته است.

علاوه بر مبانی و جایگاه محیط زیست در قوانین داخلی که ریشه در فقه امامیه دارد و تجلی حقوقی رویکرد فقهی می باشد. در قوانینی مانند قانون مدنی نیز مبانی مسئولیت مدنی نسبت به محیط زیست دیده می شود که ریشه فقهی دارند مواد ۳۰۷، ۳۳۲، ۳۳۰ و بسیاری مواد دیگر در باب مسئولیت از قواعد فقهی هستند. به نظر می رسد که اتلاف و تسبیب در تخریب محیط زیست که خود نوعی از اتلاف است ( Mohaghegh Damad, 2008, Volume 1, p. 117). از مصادیق تجاوز و تعدی بر جامعه و حقوق مردم محسوب می شود زیرا علاوه بر امکان وجود زیان دیده مشخص در نهایت تمامی جامعه از آثار سوء تخریب محیط زیست متضرر خواهند شد.

لذا می توان گفت از بعد مبانی جرم انگاری که مبتنی بر جایگاه و اهمیت محیط زیست می باشد. قانونگذار کشورمان در ابعاد مختلف چه در قوانین بالادستی و مادر و چه در قوان عادی با فقه امامیه تا حدود زیادی هم سویی داشته و دیدگاه های فقه امامیه در تدوین قوانین مورد توجه قرار گرفته است. در این میان نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که حقوق داخلی و سیاست کیفری علاوه بر تاثیر پذیری از دیدگاه و رویکرد فقهی تحت تاثیر دیدگاه های دیگر حقوقی و فلسفی نیز وجود دارد که این موضوع ممکن است در برخی قوانین منجر به مغایرت ها یا تفاوت هایی گردد. به عنوان مثال در فقه اصولا محیط زیست به تبع انسان حمایت می شود اما در مورد رابطه انسان و محیط زیست ممکن است دیدگاه های دیگری نیز بر قانونگذار تاثیر گذاشته باشند.<sup>۱</sup>

#### پاسخ های کیفری به جرایم زیست محیطی در فقه امامیه و حقوق داخلی

پیش تر در خصوص مبانی جرم انگاری جرایم زیست محیطی در حقوق اساسی و حقوق داخلی مطالبی بیان شد اکنون لزوم توسل به ضمانت اجرای باید مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار گیرد. در این دو حوزه (تعالیم اسلامی و حقوق داخلی) بدنبال تبیین این نکته هستیم که با توجه به ماهیت و ساختار حقوق اسلامی و حقوق داخلی چه نوع واکنش کیفری را در برخورد با جرایم زیست محیطی تجویز می شود.

#### پاسخ ها در فقه امامیه به جرایم زیست محیطی

بنظر می رسد احکام اسلامی براساس مصالح عمومی انسان تشریح شده باشد و بدین جهت برخی از فقها قائلند که دین، برای حمایت و حفظ مصالح معتبره انسانی آمده است. از آنجا که جرم در اسلام عبارت است از تجاوز به

<sup>۱</sup> - توضیح آنکه: در دکترین حقوقی چهار رویکرد به حقوق محیط زیست دیده می شود ۱- رویکرد انسان محور که معتقد است حفاظت از محیط زیست بایستی در جهت حفاظت منافع انسانی باشد ۲- رویکرد طبیعت محور که برای طبیعت فی نفسه و به خودی خود ارزش قائل است ۳- رویکرد خالق محور در این رویکرد به این نکته توجه می شود که انسان و طبیعت هر دو مخلوق خداوند اند و باید در کنار هم حفظ شوند و ۴- رویکرد کل نگر که در پی ایجاد تعادل بین ارزش های ابزاری محیط زیست و ارزش ذاتی آن است و انسان را در رابزه با محیط زیست در مقام مدیر قرار می دهد.

حریم مصالح معتبر اسلامی انسان، هر تجاوز و ستمی که بر یکی از مصالح عمومی برود، از نظر اسلام جرم تلقی می شود و برای آن کیفر است (Faiz, 1390, vol. 2: p. 73).

جرائم ناشی از تعدی بر مصلحت های معتبر اسلامی بر پنج قسم اند: ۱- جرمهائیکه از تعدی بر نفس پدید می آیند. ۲- جرمهائیکه از تعدی به دین و عقیده پدید می آیند ۳- جرمهائیکه از تعدی به عقل پدید می آیند ۴- جرمهائیکه از تعدی بر نسل پدید می آیند ۵- جرم هائی که از تعدی به مال بوجود می آیند ( Faiz, 1390, vol. 2: p. 197).

### بررسی و تحلیل پاسخ ها به جرائم زیست محیطی در بستر فقه امامیه

آیات شریفه محدودی در قرآن ناظر بر مجازات تخریب محیط زیست وجود دارد. به عنوان مثال، خداوند می فرماید «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (Surat al-Baqara, verse 205) و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباهکاری را دوست ندارد. قبلا بیان شد که به نظر برخی مفسران مراد از فساد در این آیه فساد تشریحی است یعنی آن فسادی که به دست بشر رخ می دهد و درخصوص فساد نسبت به محیط زیست انسان درواقع نسبت به نسل خود و ادامه حیات نوع بشر ظلم و فساد می کند (Tabatabai, 2005, vol. 2, p. 144).

اما نکته مهم در این آیه از جنبه کیفرشناسی و انتخاب ضمانت اجرای کیفری وجود عبارت «فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا» است. آنچه از منطوق آیه استنباط می شود آن است که خداوند متعال تخریب محیط زیست را در ردیف افساد فی الارض قرار داده است. اما به نظر نمی رسد در اینجا منظور این باشد که تخریب محیط زیست افساد فی الارض در معنی اصطلاحی باشد و مجازات آن مجازات مفسد فی الارض چه اینکه بسیاری از مفسرین بر همین عقیده هستند به عنوان نمونه در روض الجنان می خوانیم: برای آنکه «فساد» اسمی است جامع و جمله معاصی را و «لام» استغرق جنس راست (Al-Khazaei Neyshabouri, 1992, vol. 2: p. 155). همچنین در بسیاری تفاسیر دیگر نیز معنی فساد را در این آیه به معنی اصطلاحی آن تفسیر نموده و مراد از آن را همه گناهان دانسته اند. علی رغم این موضوع باید توجه داشت که بیان عبارت «فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا» حداقل گویای اهمیت این جرایم است و نابودی یا تخریب محیط زیست بسیار حائز اهمیت بوده است که در آیه شریفه با این الفاظ و به این کیفیت به آن اشاره شده است.

طبق ذیل آیه هر گونه فسادی محبوب الهی نیست و اراده تشریحی خداوند به ضد آن تعلق گرفته است. این معنا به ضمیمه نهی «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (Surat al-A'raf, verse 85) کبرای قیاس را تشکیل می دهد و نتیجه آن حرمت هر گونه اقدام تخریب کننده و ویرانگر در محیط زیست می باشد. نکته جالب این است که در این آیه شریفه هلاک نسل عطف به هلاک «حرث» شده است. «حرث» یعنی زراعت. هلاک نسل یعنی نسل کشی و ارتباط آن با هلاک حرث و متاخر از آن گویی رساننده آن است که تخریب منابع سبز منتج به هلاکت انسان ها خواهد بود و هر دو نتیجه فساد در زمین است (Babaei, 1394, pp. 76-77).

از بررسی آیات قرآن در این خصوص به نظر می‌رسد کیفر مشخص، به کیفیتی که در باب حدود در آیات متعدد بیان شده است در جرایم زیست محیطی وجود ندارد بنابر این از این نظر این جرایم در حیطه تعزیرات قرار دارد و تعزیر از کوچکترین کیفرها آغاز می‌شود و به سنگین‌ترین و بزرگترین کیفرها منتهی می‌گردد. پس در آن، همه گونه کیفر، با هر کیفیتی می‌تواند وجود داشته باشد از اندرز و اخطار تا تازیانه و زندان و اعدام (Feiz, 1390, vol. 2: p. 157).

تقسیم بندی متعارف فقها از جرائم در حقوق اسلامی بر مبنای نوع و میزان مجازاتها هستند به این ترتیب که جرایم یا حدی هستند یا مستوجب قصاص و دیه و یا متوجب تعزیر بر این اساس واکنش‌هایی که در فقه برای انجام محرمات و یا ترک واجبات شرعی بیان شده است در قالب تعزیرات می‌باشد. بنظر می‌رسد حاکم در مقام تعزیر امکان توسل و استفاده از طیف وسیعی از مجازاتها و واکنش‌ها را داشته باشد.<sup>۱</sup> در مورد تعزیر گفته شده است: کسی که فعل حرامی انجام دهد و یا از روی آگاهی و عمد واجب شرعی‌ای را ترک کند، حاکم شرعی به میزانی که مصلحت بداند، او را تعزیر می‌کند. بر همین اساس در خصوص جرایم زیست محیطی از جنبه مبانی مجازات می‌توان به جرایم تعزیری استناد کرد.

در خصوص جرایم تعزیری معتبره سماعه از امام صادق (ع) است که فرمودند: «ان لكل شیء حدًا و من تعدی ذلک الحد کان له حد» (Sheikh Al-Hur Al-Ameli, 1412 AH, vol. 18, p. 311). برای هر چیزی حدی قرار داده شده و هر کس آن حد را مورد تعدی قرار دهد حد دارد - همچنین از جمله روایات مورد استدلال، روایت یونس از امام کاظم علیه‌السلام است: «اصحاب الكبائر کلها اذا اقیم علیهم الحد مرتین قتلوا فی الثالثه» (Sheikh Al-Hurr Al-Ameli, 1412 AH, vol. 18, p. 311) - همه مرتکبین گناهان کبیره اگر دو بار حد بر آنها اقامه شود، در مرتبه سوم کشته می‌شوند. - بیان استدلال به این روایت چنین است: به موجب گفتار کلی امام علیه‌السلام، ارتکاب کلیه گناهان کبیره مستلزم مجازات حد است و از آنجا که برای تمام گناهان کبیره در شرع مجازات حد مقرر نشده است، معلوم می‌شود که مقصود از حد، اعم از حد و تعزیر است. بنابراین برای گناهان کبیره‌ای که در شرع، حد معین نشده، تعزیر اعمال خواهد شد (Mohaghegh Damad, 2004, vol. 1, p. 36). از میان بردن حیوانات و گیاهان و تخریب محیط زیست بدون دلیل موجه و علت مشروع می‌تواند از مصادیق گناه باشد که مستوجب تعزیر خواهد بود.

اما در مورد مقدار و انواع تعزیرات میان فقها اختلاف نظر وجود دارد خلیل بن احمد در کتاب «العین»، تعزیر را ضرب دون الحد و النصره معنی می‌کند (Ibn Ahmad, 1409 AH, vol. 1, p. 351) و در کتاب «معجم مقاییس اللغه» احمد بن فارس برای تعزیر دو معنا بیان شده؛ معنای اول تعظیم و نصرت و معنای دوم ضرب

<sup>۱</sup> - در مورد دلیل این موضوع نیز چهار مورد ذکر شده است. اول: روایات متعددی در ابواب مختلف از امیر المومنین علی علیه سلام که چنین افرادی را تعزیر نموده است. دوم: اسلام اهمیت فراوانی به حفظ نظام مادی و معنوی و اجرای احکام در مجاری خودشان دارد و طبیعتاً این امر می‌طلبد که حاکم باید هر کسی را که با این نظام مخالفت کند تعزیر نماید. سوم: روایات خاصی در موارد خاص وارد شده است مبنی بر اینکه حاکم حق تعزیر دارد. چهارم: آنچه در روایات متعددی وارد شده است مبنی بر اینکه خدای متعال برای هر چیزی حدی قرار داده است.

دون الحد (Ibn Faris, 1979, Volume 4, p. 311). در «تاج العروس» نیز تعزیر به معنای ضرب دون الحد دانسته شده تاجانی را از ارتکاب دوباره معصیت بازدارد (Al-Husseini, 1414 AH, vol. 13, p. 24) در «لسان العرب» نیز تعریفی مشابه آنچه در کتاب تاج العروس آمده ذکر گردیده و نویسنده در ذیل واژه تعزیر اضافه می نماید که اصل در معنای تعزیر، تأدیب است و به این علت ضرب دون الحد، تعزیر نامیده می شود که در اصل برای ادب کردن به کار می رود. در «مجمع البحرین» نیز تعزیر، ضرب دون الحد معنا گردیده است (Tarihi, 1985, vol. 3, p. 401). البته با وجود این نظرات باید توجه داشت منظور از تعزیر کم تر از حد در مورد مجازاتهایی است که جنبه حدی دارند مانند شلاق اما در مورد مجازاتهایی که جنبه حدی ندارند مانند حبس و جزای نقدی و در انتخاب انواع مجازات های دیگر، دست حاکم باز خواهد بود تا در جوامع زیست محیطی مجازات متناسب با وسعت و شدت جرم از مجازات های شدید حتی تا حبس ابد و یا مجازات های نوین مانند مجازاتهای جایگزین حبس و امثال آن پیش بینی و اجرا نماید.

درخصوص جرایم زیست محیطی اگرچه احادیث زیادی در نهی تخریب محیط زیست در کلام معصومین علیهم السلام دیده می شود اما نگارندگان علی رغم جستجوی فراوان نتوانست موردی از مجازات مجرم زیست محیطی در احادیث و روایات بیابد. لذا بنظر میرسد چنانچه این تخریب به گونه ای باشد که بتوان آن را افساد فی الارض دانست که مجازات حدی بر آن استوار میشود در غیر اینصورت باید به عمومات مجازات تعزیری در این خصوص عمل نمود. اما با این وجود آنچه مسلم است و همانطور که قبلا به آیات و روایات متعدد اشاره شده است؛ تخریب محیط زیست در اسلام حرام دانسته شده و در این راستا حاکم با استفاده از مجازاتهای تعزیری می تواند واکنش مناسب کیفری در برخورد با این جرایم اتخاذ نماید.

### بررسی و تحلیل پاسخ ها به جرایم زیست محیطی در بستر سیاست کیفری ایران

بنابراینچه گفته شد مجازات جرایم محیط زیستی از نوع تعزیری است که رویکرد قانونگذار ما نیز در برخورد با این جرایم از جنبه کیفری استفاده از تعزیرات بوده است در این گفتار، قانون مجازات اسلامی به عنوان یک قانون عام و قانون شکار و صید به عنوان یک قانون خاص در حوزه محیط زیست بررسی و تحلیل می شوند.

### قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

پرواضح است مهم ترین قانون کیفری ما، قانون مجازات اسلامی است بخش تعزیرات این قانون که مصوب سال ۱۳۷۵ است دارای بیست و نه فصل است که هیچ یک از این فصول به شکل اختصاصی به جرایم زیست محیطی اختصاص ندارد. مواد کیفری مربوط به محیط زیست در این قانون ذیل فصل بیست و پنجم و تحت عنوان کلی احراق و تخریب و اتلاف اموال ذکر شده اند. با عنایت به اهمیتی که منابع حقوقی بالادستی برای محیط زیست قائل شده است این رویکرد قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جای انتقاد دارد. علی ایحال بررسی مواد مربوطه در این قانون برای بررسی کیفیت برخورد با جرایم زیست محیطی راه گشا خواهد بود.

قانونگذار کیفری در ماده ۶۷۵ از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در این ماده قانونگذار از جنگل و محصولات زراعی و اشجار و مزارع و باغها حمایت کرده است اما استفاده از قید «متعلق به دیگری» نشان می‌دهد هدف اصلی در این ماده حمایت از مالکیت افراد است و از بحث ما خروج موضوعی دارد. به عبارت دیگر عناصر طبیعی که در ماده احصا شده اند به اعتبار تعلق به اشخاص مورد حمایت کیفری قرار گرفته اند. لذا از بررسی این ماده به نظر نمی‌رسد هدف این ماده حمایت کیفری از محیط زیست باشد.

ماده بعدی که در آن ارتباطی با محیط زیست مشاهده می‌شود ماده ۶۷۹ است. این ماده را همانگونه که قبلا نیز اشاره شده، می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود، قسمت اول مانند ماده ۶۷۵ در راستای حمایت از حیوانات حلال گوشت متعلق به اشخاص است. این قسمت از ماده مذکور با هدف حمایت از اموال تنظیم شده و توجهی به مقوله های محیط زیستی ندارد اما قسمت دوم ماده حکمی در خصوص حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بیان می‌کند. قسمت دوم اگرچه با هدف حمایت از محیط زیست تدوین شده البته ماده ۶۸۰ به عنوان مکمل این ماده می‌تواند تا حدود زیادی کاستی های موجود در این ماده را بر طرف نماید چراکه نگارش ماه ۶۷۹ جای انتقاد دارد چون ملاک مجازات اتلاف حیوانات را اعلام ممنوعیت شکار آنها از طرف دولت دانسته است. اگرچه با وجود اصل اباحه فرض ماده صحیح است اما با توجه به قوانین مربوط به صید و شکار هر نوع شکار در طبیعت مستلزم دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست است که خوشبختانه ماده ۶۸۰ این خلاء را پوشش داده است. نکته قابل انتقاد دیگر در ماده ۶۷۹ مجازات نامتناسب این جرایم است. مجازات حداکثر تا شش ماه و قابل تغییر به جزای نقدی بسیار ناچیز به هیچ عنوان اهداف پیش بینی و اعمال مجازاتها را تامین نخواهد کرد. در ماده ۶۸۰ نیز اگرچه حبس تا سه سال پیش بینی شده است اما این مجازات نیز قابل تغییر به جزای نقدی نامتناسب با آثار زیان بار جرم موضوع ماده است.

از دیگر مواد مربوط به محیط زیست می‌توان به ماده ۶۸۴ اشاره کرد که این ماده نیز با هدف حمایت از اموال تنظیم شده اما نکته قابل توجه در آن علاوه بر مجازات حبس وجود مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه است البته یکی از این دو مجازات قابلیت انتخاب را از طرف دادگاه دارند اما پیش بینی شلاق باعث تنوع واکنش ها در این جرایم شده است. لکن در کارایی این مجازات تردید وجود دارد.

درخصوص مواد ۶۸۵ و ۶۸۶ که با هدف حمایت از درختان تنظیم شده اند مواردی قابل تامل است. اولین نکته حمایت کیفری افتراقی از درختان خرما در مقابل سایر درختان است این رویکرد قانونگذار احتمالا با توجه به روایت متعدد از منع قطع درخت خرما شکل گرفته است از جمله حدیثی از امام صادق علیه سلام که فرموده اند: «مَكْرُوهٌ قَطْعُ النَّخْلِ» (Kleini, 2005, vol. 5: p. 264) - قطع درخت خرما، مکروه است - اما به نظر نمی‌رسد نیازی به اختصاص یک ماده با مجازات متفاوت در این خصوص بوده باشد زیرا این موضوع می‌توانست در ماده ۶۸۶ گنجانده شود. در این ماده موضوع جرم قطع درخت است و شکستن شاخه ها مشمول ماده نیست (Goldozian, 2016, p. 668). دوم آنکه در ماده ۶۸۶ جبران خسارت مذکور در ماده نه مجازات است و نه نیازی به تصریح در ماده

داشت بلکه جنبه مدنی داشته و مجرم برابر قاعده اتلاف موظف به جبران خسارت است. همچنین به نظر می رسد این جرم توسط مالک درخت نیز قابل انجام است زیرا یک جرم علیه آسایش عمومی است ( Mir Mohammad Sadeghi, 2016, p. 201). مجازات جزای نقدی بسیار ناچیز پیش بینی شده برای قطع درختان هم به هیچ عنوان اهداف مجازات را تامین نخواهد کرد. تنها در صورت قطع سی اصله درخت و بیشتر مجازات ممکن است مجرم به مجازات حبس محکوم گردد که تعیین این میزان از درختان نه تنها باز دارنده نیست بلکه جرم را خواهد بود (Mohseni, 1396, pp. 85-109).

### قانون شکار و صید

از مهم ترین قوانینی خاص که در حوزه محیط زیست در کشور ما وجود دارد قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ می باشد که در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۷۴ اصلاح شده و می توان گفت از موفق ترین قوانین در حفظ و حمایت از محیط زیست بوده است. این قانون با تشکیل سازمان شکاربانی و نظارت بر صید کمک شایانی بر سازماندهی و مدیریت حفاظت از منابع طبیعی نمود. علاوه بر بیان ضوابط حاکم بر صید و شکار همانگونه که قبلا اشاره شد این قانون در مواد ۱۰ الی ۱۳ با پیش بینی ضمانت اجرای کیفری حمایت نسبتا وسیعی از محیط زیست بعمل آورده است. قانونگذار، قاضی را در انتخاب نوع مجازاتهای تعیین شده آزاد گذاشته است و وی میتواند از بین دو نوع مجازات، یعنی جزای نقدی یا حبس یکی را انتخاب کند.

ماده ۱۰ این قانون شامل ۵ عنوان مجرمانه است.<sup>۱</sup> نخستین انتقادی که بر این ماده وارد است مجازات حبس حداکثر تا یک ماه و یا جزای نقدی بسیار ناچیز و سبک و نامتناسبی است که البته در نظام کیفری ما با توجه به اینکه حبس زیر سه ماه امکان اعمال و اجرا ندارد عملا این قسمت نسخ ضمنی شده است. انتقاد دیگری که می تواند متوجه این ماده باشد تجمیع عناوین مجرمانه متفاوت در یک ماده است که هرکدام از این عناوین مجازات و واکنش مخصوص به خود را می طلبد.

ماده ۱۱ قانون مذکور، علی رغم اینکه در ماده ۱۰ برای کسانی که شکار و صید غیر مجاز انجام میدهند مجازات تا یک ماه حبس در نظر گرفته است مجددا به موضوع شکار و صید غیرمجاز پرداخته است و مجازات تا دو ماه حبس را برای این جرم پیشبینی نموده که این موضوع جای تعجب دارد. البته همانطور که گفتیم بنظر می رسد واکنش های کیفری مذکور هر دو منسوخه هستند زیرا اولاً مدت حبس های پیش بینی شده زیر سه ماه است و ثانياً در این خصوص می توان به عموماً ماده ی ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در باب تعدد مادی استناد ورزید.

---

۱- الف- شکار و صید در فصول و ساعات ممنوعه ب- شکار و صید با وسایل و از طرق ممنوعه پ- ازبین بردن رستنی ها در مناطق حفاظت شده ت- شکار و صید و یا حمل، فروش و عرضه بدون مجوز حیوانات زنده ث- حمل، عرضه، فروش، صدور و نگهداری حیوانات کشته.

ماده ۱۲ با پیش بینی ۶ عنوان مجرمانه حداکثر مجازات سه ماه حبس و یا جزای نقدی را برای این جرایم پیش بینی نموده است.<sup>۱</sup> این ماده نیز علاوه بر این که با ضعف ضمانت اجرای کیفری مواجه است قابل جمع با ماده ۱۰ بوده و در بعضی موارد با ماده مذکور هم پوشانی دارد.

در ماده ۱۳ نیز مجدداً موارد جرم انگاری شده اند که بعضاً در مواد قبلی جرم انگاری شده بودند.<sup>۲</sup> همانطور که ملاحظه می شود بند الف این ماده در بند ب ماده ۱۰ به شکل کلی ذکر شده است. البته ممکن است در نگاه اول به نظر برسد هدف قانونگذار تشدید مجازات به طور خاص برای استفاده از مواد منفجره و سموم در شکار و صید بوده است اما در انتهای بند الف عبارت «و غیره» این مصادیق را به صورت تمثیلی معرفی می نماید که در نهایت به نظر می رسد بازنویسی بند ب ماده ۱۰ باشد.

### بررسی میزان انطباق پذیری پاسخ ها در سیاست کیفری ایران با فقه امامیه

اگرچه اسلام برای محیط زیست جایگاه والایی در نظر گرفته است و انسان را به صیانت و آبادانی و بهره برداری از آن امر کرده است اما نقض آن دستورات عنوان خاصی در جرائم مستوجب حد ندارد مگر اینکه ارتکاب عمل به نحوی آثار گسترده وسیع داشته باشد که بتوان آن را در قالب افساد فی الارض ارزیابی نمود؛ همچنین در سایر انواع جرایم نیز اشاره مشخصی به این نوع از جرایم نشده است بر همین اساس و با توجه به کارکرد تعزیرات در حقوق جزای اسلامی، به نظر می رسد برخورد با این جرایم باید در چهارچوب و از مجرای تعزیرات صورت پذیرد. البته در منابع فقهی بطور کلی کمبود یک باب اختصاصی مربوط به احکام محیط زیست و جنبه کیفری آنها مشاهده می شود و رویکرد مشخصی به لحاظ تاریخی از برخورد با افعال حرام بر علیه محیط زیست قابل تشخیص نیست. لکن مبانی جرم انگاری جرایم زیست محیطی در حقوق جزای اسلام از جمله قاعده لاضرر و قاعده اتلاف و تصریح قرآن به حرمت این افعال و همچنین نواهی معصومین در روایات متعدد به شکل کامل و روشن وجود دارد. بنابر این هرچند برای قانونگذار کیفری ما روشن است که اصولاً مجرای سیاست کیفری در قبال جرایم زیست محیطی از نظر فقهی (تعزیر) است اما فقدان یک رویکرد منسجم در تالیفات فقهی در خصوص محیط زیست باعث شده است تشخیص کیفیت و نوع پاسخ ها به جرایم زیست محیطی اولاً فاقد انسجام لازم باشند و ثانیاً چندان انطباقی با فقه نداشته باشد.

---

<sup>۱</sup> - این جرایم عبارت اند از الف - شکار و صید در قرقهای سلطنتی. ب - شکار و صید حیوانات حمایت شده بدون پروانه. پ - شکار و صید بدون پروانه در مناطق حفاظت شده و قرقهای اختصاصی. ت - تعلق و تخریب و از بین بردن رستی ها در پارکهای وحش. ث - بستن سد و کلهم "شیل" در مسیر رودخانه ها به منظور صید غیر مجاز. ج - آلوده نمودن آب رودخانه ها و دریاچه ها و قنوات و برکه ها و مردابها به موادی که موجبات از بین بردن آبزیان را فراهم نماید.

<sup>۲</sup> - این موارد عبارت اند از:

الف - شکار و صید یا از بین بردن حیوانات قابل شکار با استفاده از سموم یا مواد منفجره مانند دینامیت و غیره. ب - شکار بدون پروانه آهو و جیبر و گورخر و گوزن زرد. پ - شکار و صید بدون پروانه پستانداران و آبزیان قابل شکار و صید که از خارج به کشور وارد و حمایت شده اعلام گردیده باشد. ت - شکار و صید بدون پروانه در پارکهای وحش.

نکته دیگری که در خصوص انطباق پاسخ ها در دو حوزه فقه و سیاست کیفری باید در نظر داشت آن است که به نظر نگارندگان، شارع با عدم تاکید و تشریح واکنش های کیفری به عنوان پاسخ به جرایم زیست محیطی، بیشتر تمایل به جبران خسارت و ضرر و زیان های وارد به محیط زیست بوده است. و هر چند در مواردی پاسخ های کیفری را ضروری دانسته است به نحوری که شدت آن گاه بسیار شدید می شود، اما اولویت در پاسخ ها به جرایم زیست محیطی جبران خسارت بر مبنای قواعد فقهی مانند قاعده اتلاف و تسبیب و ضمان ید می باشد که شرح آن در بخش اول گذشت.

### نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در فقه امامیه که جهت نمای حقوق داخلی و نظام کیفری ما می باشد مقوله های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. اینکه خداوند انسان را خلیفه خود بر زمین قرار داده است و همینطور به انسان دستور داده است با آبادانی زمین، این جهان را محل مناسبی برای رشد و بالندگی خود قرار دهد مویذ حقوق و تکالیفی برای انسان در این زمینه است. شاید بتوان ادعا نمود که انسان از منظر اسلام دارای یک ارتباط عرضی با سایر انسانها می باشد که برخی از حقوق و تکالیف اش در این رابطه تعریف می شود از جهت دیگر انسان دارای یک ارتباط طولی با خداوند متعال است که برخی از تکالیفش در این رابطه معنی می یابد لذا منشاء و مبنای جرم انگاری در اسلام در مرحله اول تکالیف انسان در مقابل خداوند و در مرحله دوم حقوق و تکالیفش در رابطه با انسانها و سایر موجودات است. از سوی دیگر با توجه به گستردگی محیط زیست و مصادیق آن و همچنین اهمیت فراوان آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور حفاظت از محیط زیست در قوانین مادر نظیر قانون اساسی و سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است. البته درمورد اصل ۵۰ قانون اساسی باید گفت هرچند این اصل در فصل امور اقتصادی آمده، ولی نه متن این اصل و نه هدف آن، هیچیک منحصر به امور اقتصادی نیست. در متن اصل مذکور تأکید شده که فعالیتهای اقتصادی و غیر آن نباید آلوده کننده یا مخرب محیط زیست باشد. هدف اصل نیز که در صدر اصل آمده، امور اقتصادی نیست. لذا باتوجه به ماهیت آن، بهتر بود که این اصل در فصل کلیات و فصل حقوق ملت جای می گرفت زیرا این اصل علاوه بر بیان تکلیف حفظ محیط زیست حق بر محیط زیست سالم را هم تضمین نموده است و لذا از این حیث شایسته بود که قید «اقتصادی» از صدر آن حذف می گردید. علاوه بر این این اصل بیانگر یک تکلیف عمومی و آینده نگرانه است که از نحوه نگارش اصل نیز مشخص است برای قانونگذار حائز اهمیت بوده است.

آنچه مسلم به نظر می رسد آن است که کشور ما نیاز مند یک سیاست کیفری هدفمند و افتراقی در برخورد با جرایم زیست محیطی است که در حال حاضر فاقد چنین سیاست کیفری می باشیم. قوانین موجود نامتنجاس بوده و دچار تشتت می باشد همچنین مجازاتهای ناکارآمد و عدم وجود تنوع در این مجازاتها از نقاط ضعف قوانین کیفری در حوزه محیط زیست است. مساله ای که در این تحلیل حائز اهمیت به نظر می رسد نگاه کلی قانونگذار به مساله محیط زیست است؛ اعتباری که قانونگذار به محیط زیست داده است و علت حمایت از آن تماما زیر سایه منافع

جامعه است و اصالتی خارج از اجتماع و منافع اجتماعی برای محیط زیست، بماهو محیط زیست قائل نیست. نمونه بارز و مصداق اتم این موضوع در قانون مجازات اسلامی به عنوان مهم ترین قانون جزایی کشور قابل مشاهده است. هدف کلی و اصلی در مواد مربوط به حوزه محیط زیست در این قانون حمایت از مالکیت بوده است و در قسمت هایی که از شکار و کشتن گونه های ممنوع سخن به میان آمده به عنوان موضوع فرعی مطرح شده است. همچنین در تدوین مواد مربوط به آلوده کردن آب و دفع فاضلاب و غیره مورد استفاده عمومی بودن ملاک قانونگذار بوده است که این رویکرد جای نقد دارد.

از طرف دیگر سیاست قضایی نیز در این حوزه باید قاطع و با تسامح صفر اجرا شود. اما رویکرد کیفری صرف بدون در نظر گرفتن اقدامات پیشگیرانه و واکنش های متناسب غیر کیفری که برخی از آنها از جمله آموزش همگانی در قانون شکار و صید بیان شده است به شکل کامل موفق و موثر نخواهد بود؛ لذا به نظر می رسد جرم انگاری افتراقی جرایم زیست محیطی با استفاده از مجازاتهای متناسب، همچنین تقویت گاردهای حفاظت از محیط زیست و استفاده از قضاات دارای تخصص در حوزه محیط زیست و تشکیل دادگاه های تخصص در کنار آموزش و اقدامات پیشگیرانه هدفمند در رسیدن به اهداف قوانین زیست محیطی موثر باشد.

## References

1. Abdollahi, Mohsen (2009), "Environmental Criminal Law: Considerations and Strategies", Volume 1, Official Gazette of the Islamic Republic.
2. Javadi Amoli, Abdullah (2007), "Islam and the Environment", Esraa Publications.
3. Dehkhoda, Ali Akbar (2006), "Dictionary (Medium Culture)", University of Tehran, Volume 2.
4. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (2005), "Summary of Al-Mizan Translation", translated by Fatemeh Mashayekh, Nashr-e Islam, vol.
5. Mir Mohammadi, Jalil (2009), "Collection of Quran and Medicine Articles, Yazd, Quranic Research Foundation and University", Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services, Yazd.
6. Salehi Aref; Adel (2017), "A series of reading sessions explaining the negotiations of the Parliament, the final review of the 1979 Constitution", the subject of the fifty-fourth session of the review of Article 50 of the Constitution, the Guardian Council Research Institute.
7. Feyz, Alireza (2011), "Comparison and Application in the General Criminal Law of Islam", Ministry of Culture and Islamic Guidance, Volume 2
8. Mohaghegh Damad, Mustafa (2004), "Rules of Jurisprudence", Islamic Sciences Publishing Center, Volume 1.
9. Golduzian, Iraj (2016), "The border of the Islamic Penal Code" Majd Publications.
10. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2016), "Crimes against public security and well-being", Mizan Publishing.
11. Atai, Mohammad Reza (1997), "Extravagance and waste in the Qur'an and Sunnah", Mishkoo Quarterly, No. 55
12. Sadeghi, Amirhossein, Akbarian, Ishaq, Shaker, Mohammad Kazem (2007), "New Approaches to Religious Themes in Environmental Protection", Quarterly Journal of Research and Seminary, Nos. 30 and 31
13. Faghfour Maghrabi, Hamid (2007), "Environmental Ethics from the Perspective of Islam", Quarterly Journal of Medical Ethics, No. 8
14. Molaei, Yousef (2007), "The Third Generation of Human Rights and the Right to a Healthy Environment", Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, No. 4

15. Masoumi, Masoud, Lotfi, Assadollah (2007), "Jurisprudential-Legal Study of the Status of Waters in Public Property", Quarterly Journal of Jurisprudential Research, Volume 13, Number 1
16. Aslipour, Hossein, Sharifzadeh, Fattah (2015), "Environmental Policy Strategy in the Context of Conventional Public Decision Theories", Quarterly Journal of Parliament and Strategy, No. 83
17. Mobini Dehkordi, Ali, Moradi Ghasemabadi, Farajollah (2010), "20-year vision document of the country from the perspective of schools of strategic management", Quarterly Journal of Defense Studies, Strategy, No. 41
18. Ramezani Ghavamabadi, Mohammad Hossein (2009), "Criminal Support for Animal Species in Iran", Journal of Environmental Sciences, Shahid Beheshti University, No. 2
19. Hosseini, Seyed Mohammad and Mohammadi, Mehrdadh (2017), Human Rights Analysis on the Environment, Bi-Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies, Year 6, Issue 12
20. Heshmati, Amin (2017), "Study of environmental criminal laws and the impact on environmental protection", Political Science, Law and Jurisprudence Studies, No. 1
21. Mohseni, Hassan (2017), "Environmental Justice and Smuggling of Wood, Firewood and Coal", Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies, No. 8.
22. Mustajab Al-Dawati, Mehrdad and Soleimani, Mostafa (2008), "Collection of Laws and Regulations of Environmental Protection, General Office for Development and Revision of Presidential Laws and Regulations", Deputy for Research, Development and Revision of Laws and Regulations, 2008
23. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1992), "Vocabulary of Quranic words", Dar al-Shamiya.
24. Mohammadi Reyshahri, Mohammad (2010), "Encyclopedia of Amir al-Mu'minin against Salam based on Quran, Hadith and History", translated by Mehdi Mehrizi, etc., Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Volume 7
25. Harani, Ibn Shuba (2003), "The Gift of the Minds", translated by Sadegh Hassanzadeh, Al-Ali (PBUH), 2003
26. Sheikh Tusi (2008), Expanded in the jurisprudence of the Imams, Al-Mortazawiyah Library for the Revival of Al-Jaafari's works, Volume 3.
27. Mohammadi Reyshahri, Mohammad (2010), "The Balance of Wisdom", translated by Hamid Reza Sheikhi, Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Volume No. 5
28. Al-Khazaei Neyshabouri, Hussein Ibn Ali Ibn Mohammad Ibn Ahmad (1371), "Rawd al-Jannan and Ruh al-Jannan in the Interpretation of the Qur'an", edited by Dr. Mohammad Jafar Yahaghi and Dr. Mohammad Mehdi Naseh, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Volume 2
29. Sheikh Al-Hurr Al-Ameli, Mohammad Ibn Hassan (1412), "Shiite means to study Sharia issues", Mohaqeq Mohammad Razi and Abdul Rahim Rabbani Shirazi, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi, vol. 18
30. Ibn Ahmad, Khalil, Al-Ain (1409), "Researcher Mehdi Makhzumi and Ibrahim Samarai", Dar al-Hijra Institute, Volume 1
31. Ibn Faris, Ahmad (1979), "Dictionary of Language Comparisons", researcher Abdul Salam Mohammad Haroon, Dar al-Fikr Publications, Volume 4.
32. Al-Husseini, Muhammad ibn Muhammad ibn Abd al-Razzaq (1414), "The Crown of the Bride", Ali Shiri, Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution, Volume 13.
33. Tarihi, Fakhruddin Ibn Muhammad (1985), "Bahrain Complex", Dar Al-Maktab Al-Hilal, Volume 3
34. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (2005), "Al-Kafi", edited by Ali Akbar Ghaffari, Islamic Library for Publishing and Distribution, Volume 5

**A reflection on the penal policy of the Islamic Republic of Iran towards environmental crimes in the light of the teachings of Imami jurisprudence**

**Mohammad Haji Ghasemi Ardabili**

PhD Student, Department of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

**Alireza Milani\***

Assistant Professor of Law, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

---

**Abstract**

Islamic rules, as one of the main principles of Iranian law, have an irrefutable role in the legal system of the country. The optimal and legitimate use of the environment from the point of view of Islam is one of the fundamental rights of individuals, whose protection lies with the ruler and the responsibility of the community. Accordingly, in this article, using the analytical-descriptive method, it has been attempted to determine the jurisprudential approach to environmental crimes as well as the criminal system of the country in response to these crimes, the weaknesses and strengths of both legal and juridical spheres, the expression of ways to improve and correct it. Considering the territorial extent of Iran, the diversity of the climate and the diversity of environmental issues and issues, due to the inadequacy and inefficiency of the existing laws in the domestic arena, we need urgent legislative action in this area because environmental degradation constitutes a barrier to sustainable development in countries Is under development. The differential offense of environmental crime and the prediction of non-criminal acts and criminal responses can be helpful in tackling and preventing environmental crime and achieving the objectives of criminal law.

**Keywords: Islamic law, Unlawful rule, Environment, Criminalization, Criminal enforcement**

---

---

\* (Corresponding Author) alirezamillani@yahoo.com